

<div><div></div><div>سخن روز</div></div>
مهندس سحابی الگوی روشنفکر ایرانی
حمید آصفی—تحلیلگر مسائل ایران

اصطلاح روشنفکر در سنت فرانسوی‌اش وجدان جامعه بودن تعریف شده است. در این تعریف الزاما نباید که آکادمیسینی یا دانشمند علوم اجتماعی باشد بلکه روشنفکر کسی است که دردمند است و درکی دارد که سعی دارد به جامعه خودش راه حل نشان بدهد. روشنفکران قبل از انقلاب به علت مواجه‌ها با حکومتی که به لحاظ اعتقادی با آن مخالف بودند ایده پردازی می کردند. اما این ایده پردازی فاقد نقشه راه بود و در اصل سپهر سازی می‌کردند تا بسترسازای، سپهر فرقی‌اش با بستر این استم که در سپهر اتمسفر درست می‌شود، ادبیاتی خلق می‌شود که شورانگیز است و یک جپتی می‌دهد اما مسیر راه ندارد بلکه مشغلی روشن می‌کند ولی نقشه رسیدن به آن چشم انداز را ندارد. مثلا تفسیر از جامعه، تاریخ، برابری، آزادی و برادری و سوسیالیسم که همه این‌ها شعارهای آرزمانی که نادرست هم نیست و شور می‌دهد، جهت می‌دهد ولی مسیر را روشن نمی‌کند ما قبل از انقلاب بیشتر با روشنفکرانی مواجه بودیم که اتمسفر می ساختند و قشر و اقشاری را هم به دنبال خود می کشیدند اما چون فاقد نقشه راه بود، به سرانجام نرسید، علت موفقیت روحانیت درانقلاب داشتن نقشه راه بود، بستر راه داشت، نفوذ مردمی داشت، مساجد را داشت و همه شعارهای این دسته از روشنفکران را خود به‌دست گرفت. جمهوری اسلامی، تجربه بلوک شرق و بحران فروپاشی را دید که در آنجا بایفط روشنفکرانی مواجه شدیم که انتزاعی شدند و غرق در بحث‌های انتزاعی!

طبق چپ مذهبی به طرف بحث های انتزاعی رفت و دیگر از مدینه فاضله، جامعه بی طیف تعویذی، عرفان، برای حرف نمی زد بلکه دستسورکار فکری‌اش به این سو رفت که معرفت چیست؟ دین چیست؟ فلسفه چیست؟ فلسفه تحلیلی چیست؟ سکولاریسم چیست؟

روشنفکر سکولار هم به این سو رفت که دموکراسی چیست؟ آیا اسلام با دموکراسی می‌خواند یا اسلام با دموکراسی نمی‌خواند و دین و آزادی و حقوق بشر با هم سازگاری دارند یا خیر؟

سروش به دین در عرصه خصوصی رسید، ملکیان به معنویت رسید، شبستری قرآن را درک پیامبر معرفی کرد و به نقض غرض رسیدند و نتوانستند به عنوان یک آدم دین دار در مرکز حوزه دین بشینند و با زبان دینی با دنیای جدید تامل کنند و عملاً صورت مسله را پاک کردند و کاملا به روشنفکران انتزاعی تبدیل شدند.

طیف روشنفکران سکولار نیز به این آفت دچار شدند مثلاً در دوره اصلاحات روزنامه‌ها و مجلات روشنفکری جدی ترین بحث اشان این بود که دین با دموکراسی می‌خواند؟ روشنفکری دینی چه مفهومی دارد؟ لیبرالیسم چیست؟ سکولاریسم چیست؟ و بحث‌های پیچیده‌ای اتفاق افتاد که سمت و سوی آن انتزاعی شدن بود.

ما یابده ستم یک تعریف روشنفکری تحققی یا نهادسناز یا ساختار ساز برویم که بتوانیم هم درست آسیب شناسی گذشته را انجام دهیم و هم راه حل‌های عملی و ممکن برای تحقق ایده‌ها و آرمان‌ها را حداقلمقدور بدست بیاوریم. روشنفکر نهادساز، این ویژگی مهم را دارد که هم یک نگاه‌بی به آرمان‌ها دارد و هم بحث‌های مفهومی را می‌فهمد اما دنبال پیدا کردن نقشه راه هم هست و صرفاً نمی‌خواهد یک اتمسفر بسازد و مشعلی روشن کند بلکه می‌خواهد مسیری را هموار نماید و نتایج متین شده و ملموس و مادی به جامعه ارائه دهد وبین آرمان و واقعیت یک رابطه ای ملموس برقرار نماید. این مستلزم این است که هم آرمان‌های خودش را بشناسد و نقد و بررسی کند و هم بحث‌های انتزاعی را بداند. پس در این تیم روشنفکری، روشنفکر کسی است که درد مردم را داشته باشد و زبان‌اش با زبان مردم ارتباط فاحش نداشته باشد. وقتی حتی قشر دانشجو بسیاری از این مفاهیم انتزاعی را نمی‌فهمد از مردم چه انتظاری داریم که این زبان را بفهمند؟ و این نشان از مسیر دور شدن است. روشنفکر نباید به مردم بگوید که زبان من را بفهمید بلکه این روشنفکر استم که باید زبان مردم را بفهمد و با این زبان با مردم حرف بزند. روشنفکران انتزاعی از مردم دور شدند و فاصله‌شان با مردم زیاد شد به دلیل انتزاعی بحث کردن نتوانستند با نهادهای مدرن مدنی شکل گرفته رابطه داشته باشند. در دوره اصلاحات رابطه این روشنفکران با نهادهای معلمان چگونه بود؟ با کارگاران چگونه بود؟ با سایر صنف چگونه بود؟ این روشنفکران ایرانی که با آن نوع نهادهای مدرن مدنی که محور جت هایش بود نتوانستند رابطه برقرار کنند.

این جستج که نمی‌سوالی پیدا شد که چرا روشنفکران به این مسئله مبتلا شدند که اگر آرمان گرای کنیم، یک اقدام جدید دیگران سوار می شوند؟ اگر انتزاعی‌گرائی کند و بحث‌های پیچیده نظری بکند روشنفکری مردم‌اش بلا موضوع می‌شود و در اینجا فرق یک آکادمیسین با روشنفکر مسئول و مردمی چه می‌شود؟ در این شرایط بحث تعهد متنی می‌شود، برای مردم کار کردن متنی می‌شود و این روشنفکر تبدیل به یک آکادمیسین با سواد و تئوریکس می‌شود که دیگر نه دردی دارد نه شوری دارد و نه عشقی دارد. در اینجا ما دچار یک پارادوکس می‌شویم. پارادوکسی که برای کشورهای مثل ما مشکل است ولی در کشورهای اروپایی و یا در کشورهای پیشرفته یک تقسیم کاری وجود دارد. در اینجا مضی عالماند، متخصص‌اند و بعضی‌ها کلمه‌انسان خراب می‌شود روشنفکر می‌شوند!ا با قول معروف می‌خواهند درد مردم را حل کنند ولی در جامعه ما این تقسیم بندی وجود ندارد.

در ایران باید تیپ روشنفکر تحققی باشد یعنی نقشه راه داشته باشد و این وقتی امکان پذیر است که بنیذرد تئوری برای عمل و کار و نتیجه است و باید نسبت تئوری با عمل و نتیجه را مشخص کند. مثلا شعار آزادی می‌تواند در قالب دموکراسی تحققی شود مثلا دموکراسی پارلمانی یا موضوع انتخابات‌شوراها یا نظریه عدالت به مفهوم یک نظریه عملی و مکانی در شرایط امروز ایران و در مناسبات اقتصادی حاکم بر کشور می‌تواند دستور کار قرار بگیرد. بطور خلاصه این تیپ روشنفکری باید سه تا ارتباط ایجاد نماید یکی در انتزاع که شناخت کلی پدیده صورت می‌گیرد در آرمان سپهر ساخته می‌شود و دو اینکه الان در چه شرایطی هستیم و سه چگونه این مسیر و نقشه راه تدوین می‌شود. ایران امروز به این نوع روشنفکری احتیاج دارد. برای وجود آامن این نوع از روشنفکری چند مسئله باید حل گردد. اول ضمن داشتن آرمان باید از آرمان به واقعیت پل بزند . دوم اینکه باید سعی نماید آنچه که از تمدن غرب فرامی‌گیرد آن را به شکل انتزاعی نگیرد بلکه به شکل تجربی استفاده کند. سوم اینکه آنچه می‌خواهد در چه درصدی قابل عملی شدن است، مثلا مولفاتی چون، توسعه، دموکراسی، عدالت اجتماعی توان آن را توجیه نماید و در هر مرحله‌ای چقدر باید دموکراسی را بنیذیریم، چقدر می‌شود توسعه را جلو برد و حقوق بشر را به پیش برد.

این روش بعد از انقلاب بوسیله زنده یاد مرحوم مهندس سحابی در نظریه توسعه متوازن مطرح شد. لذا دکترحسین عظیمی تاحدی زیادی در تدوین برنامه چهارم توسعه از ایده سحابی بطور گسترده استفاده نمود. اما روشنفکری ایران چون از آرمان گرای به ما عملاً خلاء کلان فکری نداشته‌تیم. مثلا آزادی و رابطه دموکراسی با اسلام یک بحث بسود اینکه حالا این آزادی چگونه تحقق پیدا می‌کند یک بحث دیگری بود و هیچ وقت بحث نشد که امکان تحقق مدل‌های ممکن آزادی خواهی چگونه است. اگر روشنفکری دوره اصلاحات جهانی فکر می‌کرد باید منطقت‌های هم عمل می‌کرد یعنی هم باید جهانی فیهیم و در ایران عمل می‌کرد نه اینکه خود را درگیر بحث‌های کنده نماید. در ایران روی توسعه متوازن باید کاربریتری شود، واین بحث توسعه متوازن در کجا باید انباشت شود؟ اینکه این مدل در کجا باید مرجع فکری شود سوال بسیارمهمی است. در دانشگاه‌های اقتصاد؟ دراتاق فکر دولت؟ دربرنامه ششم؟ جواب این پرسش‌ها فعلا بی‌پاسخ است. چرا که نظریه بدون بستر یاد هواسات ! در این صد سال روشنفکران اندیشه طرح کردند، تاوان دادند اما ناشن را آتپایی که بستر داشتند نروند، کسی می‌تواند حرف از پیروزی اندیشه خود بزند که بستر وعینیت به نظرات خود بدهد. آگاهی یک امر کلی است که با خواندن چهار تا کتاب انسان آگاه نمی‌شود و ممکن است که آگاه هم بشود ولی وقتی وارد جامعه می‌شود هیچ بستری وجود ندارد. چگونه می‌شود آگاهی را تبلور عینی داد؟ در این شرایط روشنفکر فقط مجبور است که مداب وجدان بگیرد. پس باید نظرات کلی عینی شوند، مهندسی شوند البته این به معنای این نیست که روشنفکر استراتژیست تکسینن شود و کار تئوریسینی را رها کند اما باید در کنار کار تئوریسینی یک‌مقدار کار تکسیننی هم باشد تا بتواند ایده خود را اجرایی کند لذا بار دیگر باید به بازخوانی گسترده ایده توسعه متوازن مهندس سحابی بپردازیم.

عبدالله عزیزی رئیس کمیسیون اجتماعی مجلس شد

به گزارش ایسنا، محمدرضا بادامچی اشاره به انتخابات روز یکشنبه هیئت رئیسه کمیسیون اجتماعی گفت: بر این اساس بنده و آقای مسعود رضایی به عنوان نواب رئیس انتخاب شدیم.
به گفته وی زهرا ساعی به عنوان سخنگو و روح الله بابایی صالح و ناهید تاج‌الدین به عنوان دبیران هیئت رئیسه کمیسیون اجتماعی انتخاب شدند.

رهب ر معظم انقلاب:

قرار گرفتن عربستان در کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل جای هجو دارد



خوشبختانه، غلبه با اشعار منطبق با اهداف مذهبی و انقلابی، و رو به رشد و پیشرفت است.

حضرت آیت الله خامنه‌ای، «توقف و تصور رسیدن به ایستگاه آخر» را همچون سَمی مهلک برای شاعران خواندند و خاطر‌نشان کردند: درخت شعر کشور، استعداد و ظرفیت بسیار بیشتری برای شکوفایی و بالندگی دارد و باید در «مضمون‌یابی، پیشرفت الفاظ و انتقال مفاهیم روز»، تلاش و دقت بیشتری شود.

رهب ر انقلاب اسلامی با اشاره به ضعف موجود در گزارش حوادث کشور و احوال شخصیت‌های ملی، ایرانی‌ها را در این خصوص دچار تنبلی و کوتاهی دانستند و گفتند: امام بزرگوار

محمد هاشمی رئیس سابق سازمان صدا و سیما:

تروریست ها از جایی به مجلس ورود کرده اند که در اختیار وزارت اطلاعات نبود

عملکرد دولت یازدهم در حوزه اقتصاد واقعا مثبت بوده، به این دلیل که جهت منفی‌ای که در دولت‌های نهم و دهم وجود داشت را تغییر داد. این دولت جهت‌های رشد اقتصادی ۵- درصد، تورم دورقمی بالا، اشتغال بسیار پایین، نرخ بیکاری بسیار بالا و رشد نقدینگی بالا را تغییر داد.

هاشمی در ادامه به حوادث تروریستی اخیر در تهران پرداخت، و با اشاره به نقش برخی دستگاه‌های دیگر در این حادثه اضافه کرد: بحث امنیت فقط مربوط به وزارت اطلاعات نیست، مثال نیروی انتظامی، سپاه، بسیج و در کنارش وزارت کشور و نیروهای مردمی و وزارت اطلاعات یک مجموعه هستند و این طور نیست که فقط متوجه یک ارگان باشد. بالاخره آن کسی که به ساختمان دوم مجلس ورود کرد، از جایی گذشته که در اختیار وزارت اطلاعات نبود و توسط سپاه، بسیج یا نیروی انتظامی حفاظت می‌شد. به نظرم نیرویی که از مجلس حفاظت می‌کند، سپاه است. بنابراین باید کل مسائل را دید.

وی در نهایت افزود: این که دلاولپسان با هر مسئله کوچکی شروع به نقد یسا تخریب دولت می‌کنند، در رقابت‌های جناحی و گروهی طبیعی است و این موضوع هم نباشد دنبال چیز دیگری هستند، حتی عده‌ای بعد از این حادثه گفتند که داعش برای مذاکره با شما آمده و دست به کار شده است! در اینجا باید پرسید که مگر شما از برنامه داعش اطلاعات داشتید و داعشی‌ها می‌شناختید و ماموریشان را می‌دانستید که این حرف‌ها را می‌زنید؟ به نظرم این حرف‌ها صرفا رقابت‌های جناحی و گروهی است. وزارت اطلاعات واقعا در این ۴ سال و حتی سال‌های قبل به خوبی عمل کرده است.

گاردین:

عملیات داعش در تهران نشهای ایران با تشدید خواهد کرد

بوهادند، بسیار غافلگیر کننده بود.

ایرانی‌ها عربستان سعودی را مسئول این حملات دانسته‌اند و به این اتهامات درست باشند، نمی‌تواند، آن‌ها به احتمال زیاد تأثیر سیاسی زیادی در آن سوی مرزهای ایران دارند و تنش‌ها با آمریکا، عربستان سعودی و حکومت‌های پادشاهی حاشیه خلیج [فارس] را تشدید می‌کنند.

در ایران که مسئولیت آن را داعش بر عهده گرفت، تنش‌ها با عربستان سعودی، کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس و ترامپ را تشدید خواهد کرد.
گاردین نوشت: حمله به نهادهای مهم در ایران که مسئولیت آن را داعش بر عهده گرفت، تنش‌ها با عربستان سعودی، کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس و ترامپ را تشدید خواهد کرد.

به گزارش انتخاب، تروریست‌هایی که روز چهارشنبه، به ترنکلیز مرگباری در تهران پرداختند، با حمله به مجلس ایران و مرقد امام خمینی دو مورد از مهم ترین نمادهای انقلاب ۱۹۷۹، را هدف قرار دادند.

این حملات برای مردم تهران که در سال‌های اخیر به نسبت از چنین حملاتی در امان

ضیاء هاشمی معاون فرهنگی و اجتماعی وزیر علوم: تشکل های دانشجویی نباید تابع احزاب باشند

رهنمودی محوری است.

معاون فرهنگی و اجتماعی وزیر علوم با هرگونه تصویری از مفهوم آتش به اختیار که منجر به برداشت مفاهیمی در چارچوب هرج و مرج، بی‌نظمی و خودسری شود، حتماً خلاف نظر رهبری و ظلم به ایشان است.
به گزارش ایلتنا، ضیاء هاشمی در باره فرمایشات رهبر انقلاب در دیدار اخیر دانشجویان با ایشان گفت: رهبر انقلاب در سال‌های گذشته نیز همواره تأکید کرده‌اند که دانشجویان باید فعالیت‌های خلاف‌فاه و احساس مسئولیت‌پذیری داشته باشند و در راستای تبیین مبانی دینی و انقلابی تلاش ویژه‌ای به کار بندند. همچنین تأکید کردند که این قشر باید در راستای جذب و توجیه کسانی که با این مبانی آشنا نیستند، گام بردارند. ایشان همواره تأکید دارند که همه این اقدامات باید در چارچوب قوانین انجام شود و عقلانیت انقلابی مبتنی بر قوانین،

معاون فرهنگی و اجتماعی وزیر علوم خاطر‌نشان کرد: نباید ضوابط بروکراتیک

نائب رئیس کمیسیون اجتماعی مجلس از انتخاب عبدالله عزیزی به عنوان رئیس این کمیسیون خبر داد.

به گزارش ایسنا، محمدرضا بادامچی اشاره به انتخابات روز یکشنبه هیئت رئیسه کمیسیون اجتماعی گفت: بر این اساس بنده و آقای مسعود رضایی به عنوان نواب رئیس انتخاب شدیم.

به گفته وی زهرا ساعی به عنوان سخنگو و روح الله بابایی صالح و ناهید تاج‌الدین به عنوان دبیران هیئت رئیسه کمیسیون اجتماعی انتخاب شدند.

رهب ر معظم انقلاب:

قرار گرفتن عربستان در کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل جای هجو دارد

ما شخصیتی درجه یک است که دوست و دشمن به عظمت او اعتراف دارند، اما تاکنون چند کتاب درباره این شخصیت عظیم نوشته شده است؟

ایشان، حوادث سوریه و مدافعان حرم و قضایای مهم عراق را درخرو سرودن صداها و هزاران شعر دانستند و افزودند: بسیاری از مردم از اینکه امریکایی‌ها در عراق چه هدفی داشتند و چگونه سرشان به سنگ خورد اطلاع ندارند، اما این قضیه، بسیار مهم و نیازمند تبیین است که چگونه «عراق صدام» به «عراق شهید حکیم» تبدیل شد؟

حضرت آیت الله خامنه‌ای، شاعران را به «منظومه‌سازی» از موضوعات و همچنین سرودن در رشته «هجو» از برخی مسائل عجیب دنیای امروز توصیه کردند و گفتند: پیامبر اکرم(ص) به یکی از شاعران از صحابه خود دستور دادند

که مشرکان را هجو کند و امروز نیز مواردی همچون رقص شمشیر «جاهلیت مدرن» در کنار «جاهلیت قبلیگی» یا قرار گرفتن دولتی همچون عربستان سعودی در کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل، مسائلی است که به‌جّد، جای هجو دارند.

در این دیدار، ۳۰ نفر از شاعران، اشعار خود را در حضور رهبر انقلاب اسلامی قرائت کردند.همچنین شاعران نماز مغرب و عشا را به امامت رهبر انقلاب اسلاهی اقامه و روزه خود را همراه با ایشان افطار کردند.

E-mail: mostagheldaily@gmail.com

سیاسی

یادداشت روز

محکومیت ترور وخشونت در اسلام:

جلال جلالی زاده – نماینده مجلس ششم

قسمت دوم

۲-متأسفانه درکشورماه محض وقوع چنین حادثه ای افرادی شروع به تحریک احساسات نموده ویا تهییج و تحریک تلاش می نمایند ازآب گد آلود ماهی بگیرند ویا این تحریکات وتهیجیات فضا را برای امنیتی کردن جامعه فراهم می کنند ،در حالی که در دنیای کنونی هرروز شاهد حوادث مختلف از زلزله وسیل و آتش سوزی واعمال تروریستی هستیم بدون اینکه کوچکترین تأثیری بر نظم و انتظام جامعه بگذارد ویاا خلی در انجام امور ایجاد نماید .به ویژه کشورهایی که درمرحله تثبیت بوده مرحله گذار را پشت سر نهاده باشند.

واکنون به اصل مطلب می پردازم ،ماچگونه در کشور خودمان با فکر واندیشه داعش مقابله نمائیم؟ زمینه های رشد تفکر داعش در چه مناطقی است؟ چه کسانی در مناطق اهل سنت وحتی در شهرهای بزرگ در داعش می پیوندند؟ چه رابطه ای دربین سلفی گری و تفکر داعش وجود دارد؟

در پاسخ باید گفت باید بپذیریم که داعش علت نیست بلکه داعش معلول ابزار دست قدرت طلبان ومنفعت

طلبان است.که امروز به سان خوره ای به جان کشورهای اسلامی افتاده ویا به سان سیلی است که جوانان مسلمان را قربانی خود نموده است. هیچ کسی نمی تواند از سیاست‌های ظالمانه کشورهای عربی دفاع نماید که چرا در این کشورها گروه های تندرو به وجود آمده اند؟ مگر در

این کشورها جایی برای دموکراسی ، عدالت و آزادی وجود دارد که دیگرشویه‌های مبارزه را نکوهش کرد. آیا سبسی سلمان ،اسد وصالح زبان دموکراسی و گفتگو را می فهمند اما درایران به ویژه در مناطق اهل سنت داعش گفت

جریان سلفیه کما بیش در بین برخی از علما طرفدارانی داشته است که بیشتر براساس مبارزه با خرافات وبدعت ها ویا روشنگری در باب حقایق دینی بوده که گاهی همزمان با مبارزه با خواین و حکومت ها جریان داشته است .یعنی سلفیه فکری ویا فقهی مقرون به روش های خشونت آمیز ویا مروج آن نبوده است.

اما اینکه دراین چند سال چرا جریان سلفی گری در کردستان رشد نمود وبع تبه آن سلفیه جهادی از آن منشعب شد در نتیجه مشوق پیوستن جوانان به داعش شد ،داستان مفصلی دارد.

کشور ما همانگونه که از مناطق مختلفی از حیث طبیعت ،آب هوا ،آداب ورسوم زبان ،لهجه و مذهب تشکیل شده است لازم است این اختلافات را ملازمه نمود و به نسبت واقعیت های موجود حکم صادر کرد ،به عنوان مثال نمی توان در گرمای پنجاه درجه چابهار لباس کوردی پوشید ویا کت وشلوار وکراوات زد، در برخورد واجرای قوانین رفتار متعارف با ساکنان مناطق باید وضعت آنان رلاملاحظه نمود.

متأسفانه پس ازانقلاب این تفاوت ها در نظر گرفته نشد ،افرادى به این مناطق اعزام شدند که هیچ آشنائی با روحیات این مردمان نداشتند .قدر فرهنگ وآداب ورسوم آنان را نمی دانستند، جایگاه علما ورهبران مذهبی ملی آنان را مراعات نمی کردند .نمونه آن انحلال اداره آموزش وپرورش کردستان بود که هنوز هم آثار منفی آن ازبین نرفته است.

دومین گام تأسیس مراکز بزرگ اسلامی غرب کشور بود که موجب انهدام پیکره سازمان روحانیت وتعطیلی مدارس سنتی به ویژه مدرسه علوم دینی سنتج به پهانه وابستگی آن به نظام قبلی بود.از سوی دیگر پهانه به دست گروه های مارکسیست ملی گرا برای ترور و شهادت بیش از پنجاه تن از علمای اهل سنت کردستان به پهانه وابستگی به مرکز بزرگ با حکومت داد.

صرف نظر از همه نامالایمات وجفاهایی که بر مردمان بیگناه وبه ویژه جوانان از سوی طرفین درگیر رفته بود نداشتن یک مرجعیت مذهبی متحد که همزمان مردم در زیر چتر او جمع شوند ویا ملاحظ حق مردم باشد به سبب وضعت تحمیلی بر منطقه مزید

بر علت شده بود.

پس از گذشت سال ها از حوادث اوایل انقلاب و حذف آورتبه مذهبی وملی وسیطره آشتفتگی ملی و مذهبی وبناساماتی حاکم وعدم تشخیص مشکلات و محاسلات مردم ویا نبودن رابط ویا نماینده دلسوزی که حاکمیت مردم را به هم متصل نماید اوضاع را بحرانی تر نموده بود. تا اینکه با کم رنگ شدن نقش کومه ، دموکرات و پژاک در صحنه ظاهر شد ویا تضعیف جایگاه مکتب قرآن سلفی ها امکان رشد پیدا کردند ،که برداختن به آن‌ها نیاز به زمان بیشتری دارد.

اما چرا جوانان کرد به داعش پیوسته اند؟ وچرا یک جوان کرد تا مرحله عملیات انتحاری می رسد؟

زندگی انسانی به ویژه قشر جوان که تعلق خاطر بیشتری به هنجاری دارد حاضر نیست به سادگی دست به چنین عملی بزند مگر اینکه علل واسب آن فراهم شده باشد. حتما روان شناسان واجامه شناسان در باره خودکشی افراد وعلل آن بهتر آگاهی دارند که چگونه یک فرد راضی به سلب حیات از خود می‌شود.

به نظر می‌رسد.مسئولان کشور ما بیشتر به معلول برداخته اند تا علت،واگر به علت و عوامل پرداخته شود قطعا راه حل هم آسانتر خواهد بود.

پس از چهل سال از پیروزی انقلاب ،هنوز جوانان کرد نسبت به مسئولان احساس خودی نمی کنند ،چون هیچ مسئولی در این منطقه خودرا همدرند این جوانان نمی داند ریشه تمام بدبختی های انسان ناشی از فقر ،تبعیض،تخفیر ،تمصب وبی عدالتی است.همه این ها در مناطق کردستان دیده می‌شود.مسئله کولبرها وجوانان تحصیلکرده کمترین فوق لیسانس در میان آنان گواهی بر آن است. ادامه دارد …



دانشجویان نباید منتظر دستوراتی باشند که از بالا می‌رسد، اظهار کرد: دانشجویان باید با رویکردهای مسوولانه و خلاقانه از خلاقیت‌های فردی و جمعی استفاده کنند و در عرصه فرهنگی با حرکت‌های خودجوش خلاصه‌ها و ضعیف‌ها را شناسایی کنند و با رانداختن پویش‌های فرهنگی در این راستا تلاش کنندوی با تأکیدبراینکه همیشه تأکید کرده‌ایم که دانشگاه و تشکل‌های دانشجویی باید مستقل باشند، افزود: تشکل‌ها نباید تابع احزاب باشند، البته به این معنا نیست که مقابل آنها قرار بگیرند. طیفی از دیدگاه‌ها و سلاقی وجود دارد که باید همه در چارچوب وظایف تعین کنند و با توجه به استقلال دانشگاه بتوانند این مسیر را به درستی و وفور و با بهره‌گیری از خلاقیت‌هایی که برداشتی مبتنی بر هرج و مرج ناشی از چهل افراد و گروه‌ها است.